كتاب الامثلة

درس أول

لَفْظ

هر صوتی که از دهان بیرون آید و تکیه بر مخارج حروف نماید آن را لفظ خوانند.

أنواع لَفْظ

لَفظ بر دو نوع است:

۱ ـ لَفْظِ مُسْتَعْمَلْ یا کَلِمَه: لفظی است که دارای معنی باشد.

مانند رَجُل (مرد)، نَصَرَ (یاری کرد).

۲ ـ لَفْظ مُهْمَل: لفظی است که دارای معنی نباشد.

مانند مَلَم در مقابل قَلَم.

أَقْسَام کَلِمَه

کَلِمَه بر سه قسم است:

۱ ـ **اسْم**، مانند: فَرَس (اسب).

۲ ـ **فِعْل**، مانند: نَصَرَ (یاری کرد).

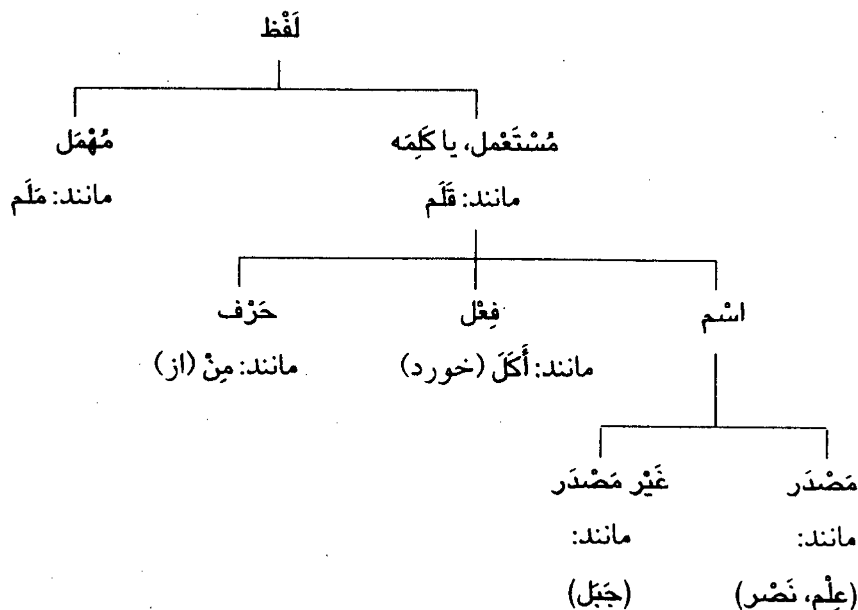
۳ ـ **حَرْف**، مانند: مِنْ (از).

انواع اسم

اِسْم بر دو نوع است:

۱ ـ **مَصْدَر**: آن است که در آخر آن به فارسی تا و نون (تَـن) یا دال و نـون (دَن) باشد، مانند: عِلْم (دانستن)، نَصْر (یاری کردن).

۲ ـ **غیر مَصْدر**: مانند: جَبَل (کوه)، زَیْد (نام شخصی).



به این پرسشها پاسخ دهید:

۱ ـ لفظ بر چند نوع است؟
۲ ـ کلمه بر چند قسم است؟
۳ ـ اسم بر چند نوع است؟
۴ ـ برای هر یک از انواع لفظ، مثالی بیاورید.
۵ ـ لفظ، کلمه، مَصْدَر را تعریف کنید.

درس دوم

حَرَکَت، سُکُون، تَنْوِین، ضَوَابِط

کلمه بوسیله حَرَکَت (صدا) تَلَفُّظ می‌شود، و حَرَکَت (صدا) بر سه قسم است:

۱ ـ **پیش:** که علامت آن چنین است: ـُ در عربی آنرا ضَمَّه می نامند، و روی حرف نوشته می‌شود مانند: **عُنُقُ.**

۲ ـ **زبر:** که علامت آن این است: ـَ آنرا فَتْحَه گویند، و روی حرف نوشته می‌شود، مانند: **کَتَبَ.**

۳ ـ **زیر:** که علامت آن چنین است: ـِ آنرا کَسْرَه نامند: و زیر حرف نوشته می‌شود، مانند: **سِجِلّ.**

حرف ضَمَّه‌دار را **مَضْمُوم**، و حرف فَتْحَه‌دار را **مَفْتُوح**، و حرف کَسْره‌دار را **مَکْسُور** مینامند، و بطورکلی حرف حَرَکَت‌دار را **مُتَحَرِّک** می‌خوانند.

و حرف بی‌حَرَکَت را با این علامت ـْ که سکون نام دارد، ساکن گویند. مانند: دو حرف (ک) و (ب) در کلمهٔ **اُکْتُبْ.**

تَنْوِین: نونی است سَاکِن که در آخر بعضی از اسمهای عربی تلفظ می‌شود ولی نوشته نمی‌شود و علامت آن تکرار حرکت آخرین حرف اسم می‌باشد. مانند: **رَجُلٌ، مَدْرَسَةٌ، فَرَسٍ.**[1]

اسمهایی که با دو حرکت ضمه ـٌ ختم شوند تنوین آن را تنوین رفع می‌نامند.

---

۱ ـ حرکت اول در: رجل و مدرسة و فرس مخصوص خود کلمه و حرکت دوم علامت تنوین است.

مانند: رَجُلٌ که تلفظش رَجُلُنْ است.

اسمهایی که با دو حرکت فتحه ـً ختم شوند تنوین آن را تنوین نصب می‌نامند.[۱] مانند: بِنَاءً که تلفظش بِنَاءَنْ است.

اسمهایی که با دو حرکت کسرهٔ ـٍ ختم شوند تنوین آن را تنوین جَرّ می‌نامند مانند: فَرَسٍ که تلفظش فَرَسِنْ است.

بنابراین تَنْوِین بر سه نوع است:

۱ـ تَنْوِین رَفْع ۲ـ تَنْوِین نَصْب ۳ـ تَنْوِین جَرّ.

علاوه بر علامتهای حَرَکَت و سُکُون و تَنْوِین چهار علامت دیگر در نوشتن به کار می‌رود که آنها را ضوابط می‌نامند.

۱ ـ **شدّ**: علامت تکرار حرف است و به شکل دندانه سین (ـّ) روی حرف گذاشته می‌شود.[۲] مانند: مُقَدَّم (پیش افتاده)، تَعَلُّم (فراگرفتن)

۲ ـ **مدّ**: هرگاه همزهٔ مفتوحه پیش از الف بیاید هردو را به صورت یک الف می‌نویسند و این علامت را ـٓ که مدّه نامیده می‌شود روی الف می‌گذارند. مانند: ءَامِر که به صورت آمِر (فرمانده) در می‌آید، قُرْءَان که به صورت قُرْآن در می‌آید، مَءَاب که به صورت مَآب (جای بازگشت) در می‌آید.

۳ ـ **وصل**: علامتی است که بر روی بعضی از الفهای اول کلمه در میان دو جمله گذاشته می‌شود برای این که همزه را تلفظ نکنند و علامت آن چنین است (ـٱ) مانند: یا رَبِّ ٱرْحَمْنِي که یا رَبِّرْحَمْنِي (پروردگارا مرا رحم فرما) تلفظ می‌شود.

۴ ـ **قطع**: علامتی است به این شکل (ء) که نشانه تلفظ شدن همزه است. مانند: یا وَلَدُ أَكْرِمْ أَباكَ (ای پسر پدرت را گرامی بدار).

---

۱ ـ هرگاه اسمی تنوین نصب بگیرد، تنوین نصب را روی الف می‌نویسند مگر اینکه اسم با تاء گرد (ة) یا الف و همزة (اء) یا همزه روی الف (أ) ختم شده باشد در این صورت تنوین نصب را بدون الف روی آخرین حرف می‌نویسند. مانند: ناصراً، شَجَرَةً، بِناءً، مَلْجَأً.

۲ ـ حرکت فتحه و ضمه روی تشدید ـَّ ـُّ و کسره زیر تشدید نوشته می‌شود. ـِّ

تمرین:

۱ ـ ضوابط و تنوین و حرکات را در آیه قرآنی زیر نام ببرید:
«یا أَیُّها اَلَّذِینَ آمَنُواْ لایَسْخَرْ قَوْم مِنْ قَوْمٍ عَسَیٰ اَنْ یَکُونُوا خَیْراً مِنْهُمْ»
ای کسانی که ایمان آوردید، گروهی گروهی دیگر را مسخره نکنند شاید که بهتر از آنان باشند.

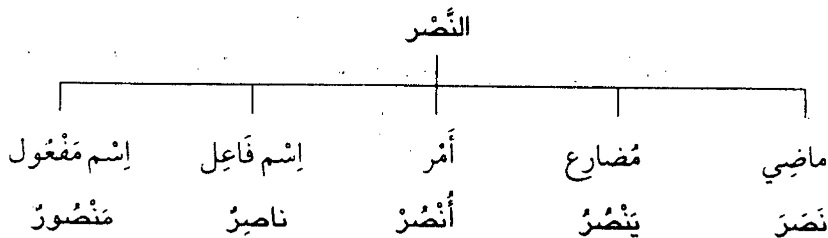
به این پرسشها پاسخ دهید:

۱ ـ صدا را در عربی چه نامند و بر چند نوع است؟ برای هرکدام یک مثال بیاورید.
۲ ـ حروف دارای حرکت را بطور کلی چه نامند و چند نوع است؟
۳ ـ این علامت را (ـًـ) چه گویند؟ مثالی بزنید.
۴ ـ تنوین را تعریف کنید و با ذکر مثالی انواع آن را بنویسید.
۵ ـ قطع را تعریف نمایید، با ذکر مثال.
۶ ـ (ص) این علامت را وصل می‌نامند. وصل چیست؟ برای آن مثالی بیاورید.

درس سوم

المَصْدَر

مَصْدَر: کلمه‌ای است که فِعْل و شبه فِعْل از آن مشتق می‌گردد مانند: نَصْر (یاری کردن) که نَصَرَ (یاری کرد) و يَنْصُرُ (یاری می‌کند) و أُنْصُرْ(یاری کن) و ناصِرٌ (یاری کننده) و مَنْصُورٌ (یاری شده) از آن ساخته می‌شود.



به این پرسشها پاسخ دهید:

۱ ـ برای مَصْدَر چه تعریفی می‌دانید؟ آن را با ذکر مثال توضیح دهید.

۲ ـ کلمات در لغت عرب از کجا گرفته می‌شوند؟ دو مثال بیاورید.

درس چهارم

فِعْل

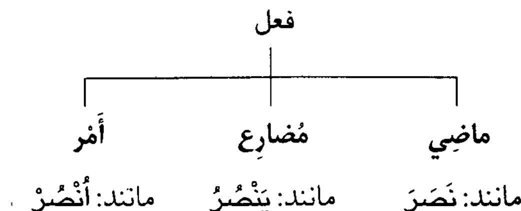
فِعْل: کلمه‌ای است که بر حالتی یا حادثه‌ای دلالت کند و با زمان همراه باشد. مانند: نَصَرَ (یاری کرد)، یَنْصُرُ (یاری می‌کند)، أُنْصُر (یاری کن)، عَلِمَ(دانست)، یَعْلَمُ (می‌داند)، اِعْلَمْ (بدان).

أَقْسَام فِعْل

۱ ـ **فِعْل مَاضِي**: فعلی است که بر انجام دادن کاری یا پدید آمدن حالتی در زمان گذشته دلالت کند. مانند: نَصَرَ، سَمَع (شنید)، حَسُنَ (نیکو شد).

۲ ـ **فِعْل مُضَارِع**: فعلی است که بر انجام دادن کاری یا پدید آمدن حالتی در زمان حال یا آینده دلالت کند. مانند: یَنْصُرُ (یاری می‌کند)، یَضْرِبُ(می‌زند)، یَمْنَعُ (منع می‌کند).

۳ ـ **فِعْل أَمْر در اصطلاح صرفیین**: فعلی است که بر طلب انجام دادن کاری از دیگری دلالت کند. مانند: أُنْصُرْ (یاری کن)، اِضْرِبْ (بزن)، اِمْنَعْ(منع کن).



به این پرسشها پاسخ دهید:

۱ ـ فعل أمر در اصطلاح صرفیین چیست؟

۲ ـ مضارع یعنی چه؟

۳ ـ فعل ماضی را تعریف کنید.

درس پنجم

وَزْن کَلِمات

در فارسی وقتی که می‌خواهیم وزن کلمهٔ نامشهوری را معین کنیم، باید هموزن آن را از کلمات مشهور پیدا و با آن میزان کنیم. مثلاً کِنِشْت (آتشکده) را با کلمه سِرِشْت می‌سنجیم.

در عربی هم کلمات[1] سه‌حرفی را با سه حرف (ف ـع، ل) می‌سنجند و می‌گویند: کَتَبَ بر وزن **فَعَلَ** و **رَجُلٌ** بر وزن **فَعُلٌ**. برای سنجیدن کلمات فاء را در برابر حرف اول کلمه و (عین) را در برابر حرف دوم و (لام) را در برابر حرف سوم می‌گذارند. مانند: نَصَرَ که بر وزن فَعَلَ (نَ صَ رَ = فَ عَ لَ).

عَلِمَ که بر وزن فَعِلَ (عَ لِ مَ = فَ عِ لَ).

بنابراین حرف اول کلمهٔ نَصَرَ را فاءالفعل و حرف دوم آن را عین‌الفعل و حرف سوم آن را لام‌الفعل می‌نامند. و گاه حروف یک کلمه از سه بیشتر است. مانند: **ناصِرٌ** که بر وزن **فاعِلٌ** می‌باشد، نون فاءالکلمه و صاد عین‌الکلمه و راء لام‌الکلمه و الف که در برابر (ف، ع، ل) نیست زائد گویند و حروفی که در مقابل (ف، ع، ل) قرار گرفته **حروف اصلی** می‌نامند. پس حروف کلمه دو نوع است:

حروف اصلی و حروف زائد.

---

۱ ـ مقصود از کلمات در اینجا اسم و فعل است.

تمرین:

۱ ـ وزن فعلهای زیر را بنویسید و حروف اصلی و زائد آنها را نام ببرید.

كَتَبَ، كاتَبَ، اَرْسَلَ، جَمَعَ، لاعَبَ، صَلُحَ، اَصْلَحَ، فَرِحَ، قَعَدَ، اَصْبَحَ، كَرُمَ، اَكْرَمَ

به این پرسشها پاسخ دهید:

۲ ـ قاعدهٔ سنجیدن کلمات عربی با فاء و عین و لام چیست؟

۳ ـ هریک از حروف اصلی کلمه را چه می‌خوانند؟

۴ ـ فرق بین حروف اصلی و زائد کلمه چیست؟

درس ششم

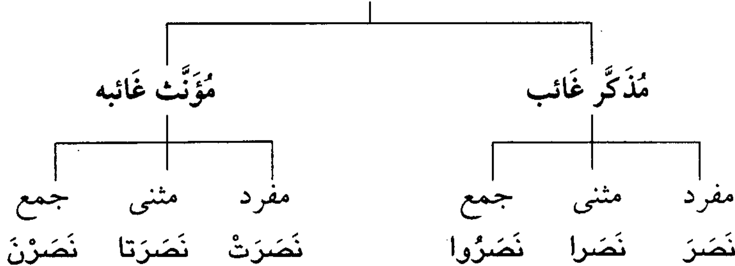
فعل ماضی «۱»

فعل ماضی دارای چهارده صیغه (ساخت) می‌باشد. چنانچه انجام‌دهنده فعل خود گوینده باشد آن را متکلم می‌نامند و اگر فاعل، شخص طرف سخن باشد آن را مخاطب گویند و اگر فاعل شخص سومی باشد آن را غایب می‌نامند. و چون در زبان عربی برای فاعلِ فِعْل (زن و مرد) شکلهای فعل متفاوت است لذا شکل صیغهٔ نر را مذکر و مقابلش را مؤنث گویند.

مثال: النَّصْر (یاری کردن) که ماضی آن چنین است:

	مُفْرَد (یک نفر)	مُثَنَّیٰ (دو نفر)	جَمْع (بیش از دو)
غائب (مذکّر)	۱ ـ نَصَرَ	۲ـ نَصَرَا	۳ ـ نَصَرُوا
غائبه (مؤنّث)	۴ ـ نَصَرَتْ	۵ ـ نَصَرَتَا	۶ ـ نَصَرْنَ
مخاطب (مذکّر)	۷ ـ نَصَرْتَ	۸ ـ نَصَرْتُمَا	۹ ـ نَصَرْتُمْ
مخاطبه (مؤنّث)	۱۰ ـ نَصَرْتِ	۱۱ ـ نَصَرْتُمَا	۱۲ ـ نَصَرْتُنَّ

متکلم وحده(تنها)	۱۳ ـ نَصَرْتُ
متکلم مع الغیر (بادیگری)	۱۴ـ نَصَرْنَا



نَصَرَ: یعنی یک نفر غائب یاری کرد که آن را **مفرد مذکر غائب** می‌نامند. نَصَرَ از (النَّصْر) گرفته شده که الف و لام آن را حذف نمودیم، فاءالفعل و لام‌الفعل را فتحه دادیم (نَصَرَ) گردید بر وزن **فَعَلَ**[1]، (نون) فاءالفعل و (صاد) عین‌الفعل و (راء) لام‌الفعل و فاعل آن ضمیر (هُوَ) مستتر می‌باشد.

نَصَرَا: یعنی (دو نفر مرد غائب یاری کردند) که آن را **تثنیه مذکر غائب** می‌نامند.

نَصَرَا بر وزن **فَعَلا** (نون) فاءالفعل و (صاد) عین‌الفعل و (راء) لام‌الفعل و (الف) ضمیر فاعلی و علامت تثنیه می‌باشد.

نَصَرُوا: یعنی (بیش از دو نفر مرد غائب یاری کردند) که آن را **جمع مذکر غائب** می‌نامند.

نَصَرُوا بر وزن **فَعَلُوا** (نون) فاءالفعل و (صاد) عین‌الفعل و (راء) لام‌الفعل و (واو) علامت جمع مذکر و ضمیر فاعلی می‌باشد.

نَصَرَتْ: یعنی (یک نفر زن غائب یاری کرد)، **مفرد مؤنث غائب.**

نَصَرَتْ بر وزن **فَعَلَتْ** (نون) فاءالفعل و (صاد) عین‌الفعل و (راء) لام‌الفعل و تاء ساکن علامت تأنیث و فاعل آن ضمیر (هِيَ) مستتر می‌باشد.

نَصَرَتا: یعنی (دو نفر زن غائب یاری کردند)، **تثنیه مؤنث غائب.**

نَصَرَتا بر وزن **فَعَلَتا** (نون) فاءالفعل و (صاد) عین‌الفعل و (راء) لام‌الفعل و (تاء)

---

۱ ـ برخی از افعال حرکت عین‌الفعلشان مفتوح و برخی مکسور و قسمتی دیگر مضموم می‌باشد و برای شناخت آنها به کتب لغت مراجعه شود.

علامت تأنیث و (الف) علامت تثنیه و ضمیر فاعلی می‌باشد.

نَصَرْنَ: یعنی (بیش از دو نفر زن یاری کردند)، **جمع مؤنث غائب.**

نَصَرْنَ بر وزن **فَعَلْنَ** (نون) فاءالفعل و (صاد) عین‌الفعل و (راء) لام‌الفعل و نون مفتوح ماقبل ساکن علامت جمع مؤنث و ضمیر فاعلی می‌باشد.

تمرین (۱)

صیغه‌های فعلهای ماضی زیر را نام ببرید:

نَظَرَا، نَظَرَتا، عَلِما، فَتَحَا، دَخَلْنَ، دَخَلُوا، جَلَسُوا، دَخَلَتا، شَرِبُوا.

تمرین (۲)

از کلمات (العلْم، الزِّراعَة، **الشُّرْب**، الفَتْح) صیغه‌های زیر را بسازید:

۱ ـ جمع مذکر غائب فعل ماضی.

۲ ـ جمع مؤنث غائب فعل ماضی.

۳ ـ تثنیه مؤنث غائب فعل ماضی.

به این پرسشها پاسخ دهید:

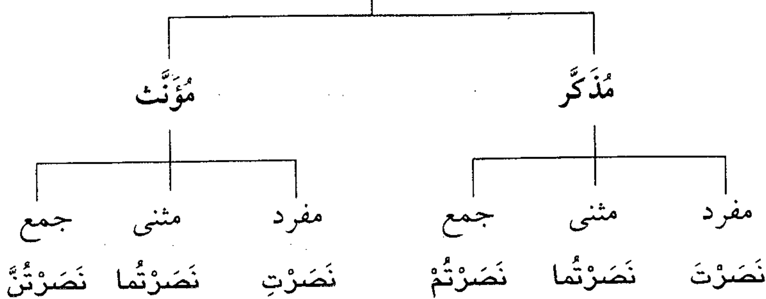
۱ ـ فعل ماضی دارای چند صیغه است؟ فقط صیغه‌های غائب آن را با ذکر مثال نام ببرید.

۲ ـ در صیغه‌های غائب فعل ماضی: الف، واو، تاء ساکن و نون چه علامتهایی هستند؟

۳ ـ صیغه‌های: کَتَبا و کَتَبْنَ برچه وزن است؟ حروف اصلی و حروف علامت را بگویید.

درس هفتم

فعل ماضی «۲»



نَصَرْتَ: یعنی تو یک نفر مرد حاضر یاری کردی که آن را **مفرد مذکر مخاطب** می‌نامند.

نَصَرْتَ بر وزن فَعَلْتَ (نون) فاءالفعل و (صاد) عین‌الفعل و (راء) لام‌الفعل و (تاء مفتوحه ماقبل ساکن) ضمیر فاعلی و علامت مفرد مذکر مخاطب می‌باشد.

نَصَرْتُمَا: یعنی شما دو نفر مرد حاضر یاری کردید، **تثنیه مذکر مخاطب**.

نَصَرْتُمَا بر وزن **فَعَلْتُمَا** (نون) فاءالفعل و (صاد) عین‌الفعل و (راء) لام‌الفعل و (تما) ماقبل‌ساکن، ضمیر فاعلی و علامت تثنیه مذکر مخاطب می‌باشد.

نَصَرْتُمْ: یعنی شما بیش از دو نفر مرد حاضر یاری کردید، **جمع مذکر مخاطب**.

نَصَرْتُمْ بر وزن فَعَلْتُمْ (نون) فاءالفعل و (صاد) عین‌الفعل و (راء) لام‌الفعل و (تُمْ)

ماقبل ساکن، ضمیر فاعلی و علامت جمع مذکر مخاطب می‌باشد.

نَصَرْتِ: یعنی تو یک نفر زن حاضر یاری کردی، **مفرد مؤنث مخاطبه.**

نَصَرْتِ بر وزن **فَعَلْتِ** (نون) فاءالفعل و (صاد) عین‌الفعل و (راء) لام‌الفعل و (تاء) مکسور ماقبل ساکن ضمیر فاعلی و علامت مفرد مؤنث مخاطبه می‌باشد.

نَصَرْتُمَا: یعنی شما دو نفر زن حاضر یاری کردید، **تثنیه مؤنث مخاطب.**

نَصَرْتُمَا بر وزن **فَعَلْتُمَا** (نون) فاءالفعل و (صاد) عین‌الفعل و (راء) لام‌الفعل و (تُما) ماقبل ساکن، ضمیر فاعلی و علامت تثنیه مؤنث مخاطبه می‌باشد.

نَصَرْتُنَّ: یعنی شما بیش از دو نفر زن حاضر یاری کردید، **جمع مؤنث مخاطبه.**

نَصَرْتُنَّ بر وزن **فَعَلْتُنَّ** (نون) فاءالفعل و (صاد) عین‌الفعل و (راء) لام‌الفعل و (تُنَّ) ماقبل ساکن، ضمیر فاعلی و علامت جمع مؤنث مخاطبه می‌باشد.

دو صیغه متکلم فعل ماضی

وَحْده	مَعَ الْغیْر
نَصَرْتُ	نَصَرْنَا
(مذکر و مؤنث)	(مذکر و مؤنث مثنی و جمع)

نَصَرْتُ: یعنی من یک نفر مرد یا زن یاری کردم، **متکلم وحده.**

نَصَرْتُ بر وزن **فَعَلْتُ** (نون) فاءالفعل و (صاد) عین‌الفعل و (راء) لام‌الفعل و (تاء) مضموم ماقبل ساکن علامت متکلم وحده و ضمیر فاعلی می‌باشد.

نَصَرْنَا: یعنی ما دو نفر یا بیشتر یاری کردیم، **متکلم مع الغیر.**

نَصَرْنَا بر وزن **فَعَلْنَا** (نون) فاءالفعل و (صاد) عین‌الفعل و (راء) لام‌الفعل و (نَا) ماقبل ساکن ضمیر فاعلی و علامت متکلم مع الغیر می‌باشد.

در صیغه‌های فعل ماضی علاوه بر حروف اصلی فعل، حروف دیگری داشتیم

(أ، وْا[1]، تا، نَ، تُما، تُم، تِ، تُنَّ، تُ، نَا) که اینها را علامتهایی دانستیم و همچنین ضمایر فاعلی هم می‌باشند.

صیغه‌های فعل ماضی و ضمایر فاعلی آن

صیغه			شماره	حروف اصلی	علامت تأنیث	ضمایر فاعلی
غائب	مُذَکَّر	مُفْرَد	۱	نَ صَ رَ		هُو مستتر
		مُثَنَّیٰ	۲	نَ صَ رَ		ا
		جَمْع	۳	نَ صَ رُ		وْا
	مُؤَنَّث	مُفْرَد	۴	نَ صَ رَ	تْ	هِيِ مستتر
		مُثَنَّیٰ	۵	نَ صَ رَ	تَ	ا
		جَمْع	۶	نَ صَ رْ		نَ
مخاطب	مُذَکَّر	مُفْرَد	۷	نَ صَ رْ		تَ
		مُثَنَّیٰ	۸	نَ صَ رْ		تُما
		جَمْع	۹	نَ صَ رْ		تُمْ
	مُؤَنَّث	مُفْرَد	۱۰	نَ صَ رْ		تِ
		مُثَنَّیٰ	۱۱	نَ صَ رْ		تُما
		جَمْع	۱۲	نَ صَ رْ		تُنَّ
متکلّم		وَحْدَه	۱۳	نَ صَ رْ		تُ
		مَعَ‌ٱلغَیْر	۱۴	نَ صَ رْ		نَا

۱ ـ این الف با (و) ضمیر نوشته ولی خوانده نمی‌شود.

تمرین:

چهارده صیغه فعل ماضی خَرَجَ (خارج شد) را بنویسید و حروف زاید آنها را نام ببرید.

به این پرسشها پاسخ دهید:

۱ـ (الف) در صیغه دوم فعل ماضی، چه علامتی است؟
۲ـ (واو) در صیغه سوم فعل ماضی، چه علامتی است؟
۳ـ (نَ) در صیغه ششم فعل ماضی، چه علامتی است؟
۴ـ (تُما) در صیغه هشتم فعل ماضی، چه علامتی است؟
۵ـ (تُنَّ) در صیغه دوازدهم فعل ماضی، چه علامتی است؟
۶ـ (تُ) در صیغه سیزدهم فعل ماضی، چه علامتی است؟
۷ـ (نا) در صیغه چهاردهم فعل ماضی، چه علامتی است؟
۸ـ (تَ) در صیغه هفتم فعلهای ماضی، چه علامتی می‌باشد؟
۹ـ (تُمْ) در صیغه نهم فعلهای ماضی، چه علامتی می‌باشد؟
۱۰ـ (تُما) در صیغه یازدهم فعلهای ماضی، چه علامتی می‌باشد؟
۱۱ـ (تِ) در صیغه دهم فعلهای ماضی، چه علامتی می‌باشد؟
۱۲ـ (تْ) در صیغه چهارم فعلهای ماضی، چه علامتی می‌باشد؟
۱۳ـ (تا) در صیغه پنجم فعلهای ماضی، چه علامتی می‌باشد؟
۱۴ـ در کدام صیغه فعل ماضی هیچیک از علامتهای بالا وجود ندارد؟

درس هشتم

فعل مضارع «۱»

فعل مضارع از فعل ماضی ساخته می‌شود، بدین ترتیب که یکی از چهار حرف (أ، تَ، یَ، نَ)[1] را در اول فعل ماضی می‌آورند، فاءالفعل ساکن و لام‌الفعل را ضمه می‌دهند و حرکت عین‌الفعل سماعی می‌باشد.

مانند: نَصَرَ، یَنْصُرُ، ضَرَبَ، یَضْرِبُ، مَنَعَ، یَمْنَعُ

فعل مضارع دارای چهارده صیغه می‌باشد بدین ترتیب:

۱ـ شش صیغه برای غائب، سه برای مذکر و سه برای مؤنث.

۲ـ شش صیغه برای مخاطب، سه برای مذکر و سه برای مؤنث.

۳ـ دو صیغه برای متکلم، که یکی برای متکلم وحده[2] و دیگری برای متکلم مع‌الغیر[3] می‌باشد.

مثال: نَصَرَ که فعل مضارع آن چنین است:

۱ـ جمع این حروف ـ أنیت ـ یا ـ أتین ـ می‌شود و آنها را حروف مضارعه می‌نامند.

۲ـ صیغه متکلم وحده برای مذکر و مؤنث مشترک است.

۳ـ صیغه متکلم مع‌الغیر برای مثنی و جمع (مذکر و مؤنث) مشترک نیز می‌باشد.

	مُفْرَد	مُثَنّى	جَمْع
غائب (مذکّر)	۱ـیَنْصُرُ	۲ـیَنْصُرانِ	۳ـیَنْصُرُونَ
غائبه (مؤنّث)	۴ـتَنْصُرُ	۵ـتَنْصُرانِ	۶ـیَنْصُرْنَ
مخاطب (مذکّر)	۷ـتَنْصُرُ	۸ـتَنْصُرانِ	۹ـتَنْصُرُونَ
مخاطبه (مؤنّث)	۱۰ـتَنْصُرِینَ	۱۱ـتَنْصُرانِ	۱۲ـتَنْصُرْنَ

متکلم وحده(تنها)	۱۳ـأَنْصُرُ
متکلم مع‌الغیر(بادیگری)	۱۴ـنَنْصُرُ

یَنْصُرُ: یعنی یک مرد غائب اکنون یا در آینده یاری می‌کند که آن را ـ**مفرد مذکر غائب** ـ می‌نامند.

یَنْصُرُ از نَصَرَ آمده (یاء) که علامت فعل مضارع است در اولش آوردیم، فاءالفعل ساکن و عین‌الفعل و لام‌الفعل را ضمه دادیم، **یَنْصُرُ** گردید بر وزن **یَفْعُلُ**. (یاء) علامت فعل مضارع است و (نون) فاءالفعل و (صاد) عین‌الفعل و (راء) لام‌الفعل و ضمّه روی لام‌الفعل لازم و فاعل آن ضمیر (هوَ) مستتر می‌باشد.

یَنْصُرانِ: یعنی دو نفر مرد غائب اکنون یا در آینده یاری می‌کنند، **تثنیه مذکر غائب**.

یَنْصُرانِ بر وزن **یَفْعُلانِ** (یاء) حرف مضارعه، (نون) فاءالفعل، (صاد) عین‌الفعل و (راء) لام‌الفعل و (الف) ضمیر فاعلی و علامت تثنیه و (نون مکسوره) عوض ضمه لازم می‌باشد.

یَنْصُرُونَ: یعنی بیش از دو نفر مرد غائب اکنون یا در آینده یاری می‌کنند، **جمع مذکر غائب**.

یَنْصُرُونَ بر وزن **یَفْعُلُونَ** (یا) حرف مضارعه و (نون) فاءالفعل و (صاد) عین‌الفعل و (راء) لام‌الفعل، (واو) ضمیر فاعلی و علامت جمع مذکر و (نون

مفتوحه) عوض ضمه لازم می‌باشد.

تَنْصُرُ: یعنی یک زن غائب اکنون یا در آینده یاری می‌کند، **مفرد مؤنث غائبه.**

تَنْصُرُ بر وزن **تَفْعُلُ** (تاء) حرف مضارعه و (نون) فاءالفعل و (صاد) عین‌الفعل و (راء) لام‌الفعل و ضمه روی لام‌الفعل لازم و فاعل آن ضمیر هِيَ مستتر می‌باشد.

تَنْصُرانِ: یعنی دو نفر زن غائب اکنون یا در آینده یاری می‌کنند، **تثنیه مؤنث غائبه.**

تَنْصُرانِ بر وزن **تَفْعُلانِ** (تاء) حرف مضارعه و (نون) فاءالفعل و (صاد) عین‌الفعل و (راء) لام‌الفعل، (الف) ضمیر فاعلی و علامت تثنیه (نون مکسورة) عوض ضمه لازم می‌باشد.

یَنْصُرْنَ: یعنی بیش از دو نفر زن غائب اکنون یا در آینده یاری می‌کنند، **جمع مؤنث غائب.**

یَنْصُرْنَ بر وزن **یَفْعُلْنَ** (یاء) حرف مضارعه و (نون) فاءالفعل و (صاد) عین‌الفعل و (راء) لام‌الفعل (نون مفتوحه ماقبل ساکن) ضمیر فاعلی و علامت جمع مؤنث می‌باشد. و در این صیغه علامتی در مقابل ضمه نیست.

خلاصه صیغه‌های غائب فعل مضارع

۱ـ آن سه که برای مذکرند و جمع مؤنث غائبه حرف مضارعشان یاء است و آن دو که برای مفرد و مثنای مؤنث می‌باشد حرف مضارعشان تاء است.

۲ـ (نون مکسوره) در تثنیه مذکر و مؤنث و (نون مفتوحه) در جمع مذکر عوض ضمه لازم می‌باشد.

۳ـ (نون) در **یَفْعُلْنَ** ضمیر فاعلی و علامت جمع مؤنث است.

به این پرسشها پاسخ دهید:

- فعل مضارع دارای چند صیغه است، فقط صیغه‌های غائب آن را با ذکر مثال بنویسید.

- حروف مضارعه در شش صیغه غائب یاء و تاء است درکدام صیغه‌ها یاء و در چه صیغه‌هایی تاء به کار می‌رود؟

- نون در آخر برخی از صیغه‌های غائب فعل مضارع آمده است، چه علامتی می‌باشد؟

تمرین (۱)

مضارع فعلهای ماضی زیر را بنویسید:

نَظَرَ، سَمِعَتْ، عَلِمَا، کَتَبُواْ، طَبَخْنَ، دَرَسَتا، نَقَصْنَ، عَبَدُوْا.

تمرین (۲)

از فعلهای ماضی نَصَرَ، کَتَبَ، دَرَسَ، نَظَرَ صیغه‌های فعل مضارع زیر را بسازید:

۱ ـ تثنیه مذکر غائب ۲ ـ تثنیه مؤنث غائب

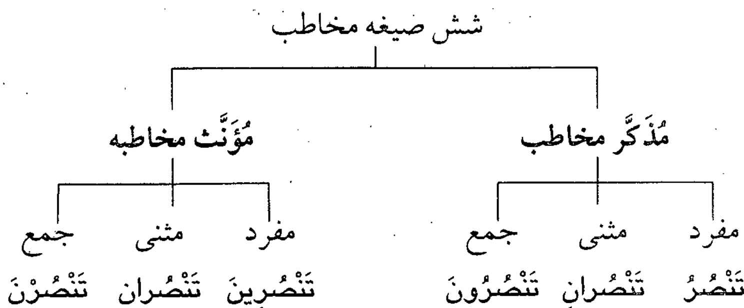
۳ ـ جمع مؤنث غائب ۴ ـ جمع مذکر غائب

تمرین (۳)

وزن صیغه‌های یَنْصُرْنَ، یَنْصُرُوْنَ را بنویسید و حروف مضارعه و حروف اصلی و ضمایر و نون عوض ضمه لازم را بگویید.

درس نهم

فعل مضارع « ۲ »
صیغه‌های مخاطب فعل مضارع



تَنْصُرُ: یعنی تو یک نفر مرد حاضر اکنون یا در آینده یاری می‌کنی که آن را **مفرد مذکر مخاطب** می‌نامند.

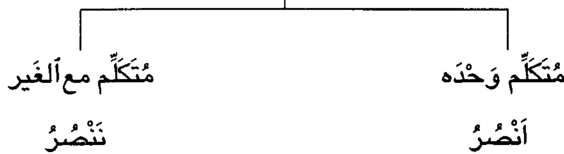
تَنْصُرُ بر وزن **تَفْعُلُ** (تاء) حرف مضارعه و ضمه روی لام‌الفعل لازم و فاعل آن ضمیر (اَنْتَ) مستتر می‌باشد.

تَنْصُرانِ: یعنی شما دو نفر مرد حاضر یاری می‌کنید، **تثنیه مذکر مخاطب.**

تَنْصُرانِ بر وزن **تَفْعُلانِ** (تا) حرف مضارعه (الف) ضمیر فاعلی و علامت تثنیه و (نون مکسوره) عوض ضمه لازم می‌باشد.

تَنْصُرُونَ: یعنی شما سه نفر مرد حاضر یا بیشتر یاری می‌کنید، **جمع مذکر مخاطب.**

تَنْصُرُونَ بر وزن **تَفْعُلُونَ** (تاء) حرف مضارعه (واو) ضمیر فاعلی و علامت جمع مذکر و (نون مفتوحه) عوض ضمه لازم می‌باشد.
تَنْصُرِينَ: یعنی تو یک نفر زن حاضر یاری می‌کنی، **مفرد مؤنث مخاطب.**
تَنْصُرِينَ بر وزن **تَفْعُلِينَ** (تاء) حرف مضارعه و (یاء ماقبل مکسور) ضمیر فاعلی و علامت مفرد مؤنث مخاطبه و (نون مفتوح) عوض ضمه لازم می‌باشد.
تَنْصُرانِ: یعنی شما دو نفر زن حاضر یاری می‌کنید، **تثنیه مؤنث مخاطب.**
تَنْصُرانِ بر وزن **تَفْعُلانِ** (تاء) حرف مضارعه و (الف) علامت تثنیه و (نون مکسوره) عوض ضمه لازم می‌باشد.
تَنْصُرْنَ: یعنی شما سه نفر زن حاضر یا بیشتر یاری می‌کنید، **جمع مؤنث مخاطب.**
تَنْصُرْنَ بر وزن **تَفْعُلْنَ** (تاء) حرف مضارعه و (نون مفتوح ماقبل ساکن) ضمیر فاعلی و علامت جمع مؤنث می‌باشد. و در این صیغه نیز علامتی در مقابل ضمه لازم نیست.



اَنْصُرُ: یعنی من یک نفر مرد یا زن یاری می‌کنم، **متکلم وحده.**
اَنْصُرُ بر وزن **اَفْعُلُ** (همزه) حرف مضارعه و ضمه روی لام‌الفعل لازم و فاعل آن ضمیر (أنا) مستتر می‌باشد.
نَنْصُرُ: یعنی ما دو مرد یا زن یا بیشتر یاری می‌کنیم، **متکلم مع‌الغیر.**
نَنْصُرُ بر وزن **نَفْعُلُ** (نون) حرف مضارعه و ضمه روی لام‌الفعل لازم و فاعل آن ضمیر (نَحْنُ) مستتر می‌باشد.

صیغه‌های فعل مضارع و ضمایر فاعلی و حروف مضارعه و حرکت لام‌الفعل

صیغه			شماره	حرف مضارعه	حروف اصلی فعل	ضمایر فاعلی	علامت رفع
غائب	مُذَكَّر	مُفْرَد	۱	يَ	نْ صُ رُ	هُومستتر	ضمه
		مُثَنَّىٰ	۲	يَ	نْ صُ رَ	ا	نِ
		جَمْع	۳	يَ	نْ صُ رُ	وْ	نَ
	مُؤَنَّث	مُفْرَد	۴	تَ	نْ صُ رُ	هِيَ مستتر	ضمه
		مُثَنَّىٰ	۵	تَ	نْ صُ رَ	ا	نِ
		جَمْع	۶	يَ	نْ صُ رْ	نَ	-
مخاطب	مُذَكَّر	مُفْرَد	۷	تَ	نْ صُ رُ	أَنْتَ مستتر	ضمه
		مُثَنَّىٰ	۸	تَ	نْ صُ رَ	ا	نِ
		جَمْع	۹	تَ	نْ صُ رُ	وَ	نَ
	مُؤَنَّث	مُفْرَد	۱۰	تَ	نْ صُ رِ	يْ	نَ
		مُثَنَّىٰ	۱۱	تَ	نْ صُ رَ	ا	نِ
		جَمْع	۱۲	تَ	نْ صُ رْ	نَ	-
متکلم	وَحْدَه		۱۳	أَ	نْ صُ رُ	أنامستتر	ضمه
	مَعَ‌الْغَيْر		۱۴	نَ	نْ صُ رُ	نَحْنُ مستتر	ضمه

به این پرسشها پاسخ دهید:

۱ ـ فعل مضارع دارای چهارده صیغه می‌باشد، صیغه‌های مخاطب و متکلم را با ذکر مثال بنویسید.

۲ ـ حروف مضارعه در هشت صیغه مخاطب و متکلم، تاء، همزه و نون است. در کدام صیغه‌ها تاء و در چه صیغه‌هایی همزه و نون به کار می‌رود؟

۳ ـ نون در آخر بعضی از صیغه‌های مخاطب فعل مضارع عوض ضمه لازم است. آن صیغه‌ها را نام ببرید.

تمرین (۱)

مضارع فعلهای زیر را بگویید:

نَظَرْتَ، عَلِمْتُمْ، فَرِحْتُ، كَتَبْتِ، طَبَخْتُما، دَرَسَتْ، نَقَصْنا، عَبَدْتُنَّ، قَعَدْتِ

تمرین (۲)

از فعلهای: نَصَرَ، كَتَبَ، دَرَسَ، فَرِحَ صیغه‌های فعل مضارع زیر را بسازید:

۱ ـ تثنیه مذکر مخاطب
۲ ـ جمع مؤنث مخاطب
۳ ـ تثنیه مؤنث مخاطب
۴ ـ جمع مذکر مخاطب
۵ ـ متکلم وحده
۶ ـ متکلم مع‌الغیر

تمرین (۳)

وزن صیغه‌های: تنصُرِيْنَ، تَنْصُرُونَ، تَنْصُرْنَ را بگویید و حروف اصلی و ضمایر و نون عوض ضمه لازم آنها را بنویسید.

درس دهم

فعل أمر حاضر

فعل أمر حاضر از شش صیغه فعل مضارع مخاطب ساخته می‌شود، که حرف مضارعه را از اول آن برمی‌دارند و چون فاءالفعل ساکن است در اول آن همزه وصلی درمی‌آورند[1]، و ضمه حرف آخر فعل را حذف می‌نمایند، پس ساکن می‌گردد و در صیغه‌هایی که نون عوض رفع[2] دارد نون را بجای ضمه حذف می‌کنند. مانند:

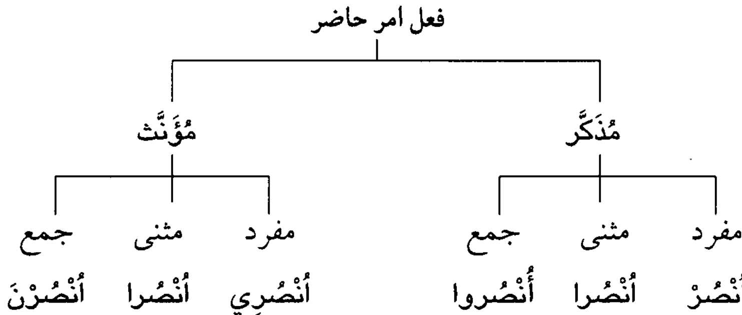
تَمْنَعُ (منع می‌کنی)	اِمْنَعْ (منع کن).
تَنْصُرُ (یاری می‌کنی)	اُنْصُرْ (یاری کن).
تَمْنَعِيْنَ (منع می‌کنی)	اِمْنَعِي (منع کن).
تَنْصُرانِ (یاری می‌کنید)	اُنْصُرا (یاری کنید).
تَجْلِسْنَ (می‌نشینید)	اِجْلِسْنَ (بنشینید).
تَجْلِسُونَ (می‌نشینید)	اِجْلِسُوا (بنشینید).

توجه: هرگاه عین‌الفعل مضارع مضموم باشد همزه فعل أمر مضموم است، و اگر فتحه یا کسره داشته باشد همزه فعل أمر مکسور می‌باشد. مانند: تَمْنَعُ، اِمْنَعْ، تَجْلِسُ، اِجْلِسْ، تَكْتُبُ، اُكْتُبْ.

۱ـ زیرا در زبان عرب ابتدا به ساکن ناممکن است.

۲ـ همان نون عوض ضمه لازم فعل مضارع است.

بنابراین فعل امر حاضر دارای شش صیغه است، سه صیغه برای مذکر و سه صیغه برای مؤنث می‌باشد.



أُنْصُرْ: یعنی تو یک نفر مرد حاضر یاری کن، **مفرد مذکر.**

أُنْصُرْ بر وزن أُفْعُلْ (همزه مضمومه) همزه وصل، (نون) فاءالفعل، (صاد) عین‌الفعل و (راء) لام‌الفعل و فاعل آن ضمیر (أَنْتَ) مستتر می‌باشد.

أُنْصُرا: یعنی شما دو نفر مرد یا زن حاضر یاری کنید، **تثنیه مذکر و مؤنث.**

أُنْصُرا بر وزن **أُفْعُلا** (همزهٔ مضمومه) همزهٔ وصل، (نون) فاءالفعل و (صاد) عین‌الفعل و (راء) لام‌الفعل، (الف) ضمیر فاعلی و علامت تثنیه می‌باشد.

أُنْصُرُوا: یعنی شما سه نفر مرد یا بیشتر یاری کنید، **جمع مذکر.**

أُنْصُرُوا بر وزن **أُفْعُلُوا** (همزه مضمومه) علامت همزهٔ وصل، (نون) فاءالفعل و (صاد) عین‌الفعل و (راء) لام‌الفعل، (واو) ضمیر فاعلی و علامت جمع مذکر می‌باشد.

أُنْصُرِي: یعنی تو یک نفر زن یاری کن، **مفرد مؤنث.**

أُنْصُرِي بر وزن **أُفْعُلِي** (همزهٔ مضمومه) همزهٔ وصل، (نون) فاءالفعل و (صاد) عین‌الفعل و (راء مکسور) لام‌الفعل، (یاء) ضمیر فاعلی و علامت مفرد مؤنث می‌باشد.

اُنْصُرْنَ: یعنی شما سه نفر زن یا بیشتر یاری کنید، **جمع مؤنث.**

اُنْصُرْنَ بر وزن **اُفْعُلْنَ** (همزهٔ مضمومه) همزهٔ وصل است، (نون) فاءالفعل و (صاد) عین‌الفعل و (راء) لام‌الفعل و (نون مفتوحه) ضمیر فاعلی و علامت جمع مؤنث می‌باشد.

به این پرسشها پاسخ دهید:

۱ ـ فعل امر حاضر دارای چند صیغه می‌باشد؟ با ذکر مثال آن را بنویسید.

۲ ـ طرز بنای فعل امر حاضر را شرح دهید.

۳ ـ همزهٔ وصل فعل امر حاضر در چه صورتی ضمه یا کسره می‌گیرد؟

تمرین (۱)

امر حاضر فعلهای مضارع زیر را بگویید:

تَنْظُرانِ، تَكْتُبُ، تَطْبُخُونَ، تَدْرُسِيْنَ، تَجْلِسْنَ، تَسْمَعانِ، تَعْبُدُ، تَذْهَبُونَ

تمرین (۲)

از فعلهای: تَنْصُرُ، تَكْتُبُ، تَدْرُسُ صیغه‌های امر حاضر زیر را بسازید:

۱ ـ مفرد مذکر	۲ ـ تثنیه مؤنث	۳ ـ جمع مذکر
۴ ـ مفرد مؤنث	۵ ـ تثنیه مذکر	۶ ـ جمع مؤنث

تمرین (۳)

وزن این فعلها را بگویید:

اِسْمَعُوا، اُعْبُدُوا، اِذْهَبْنَ، اِجْلِسِي، اُدْرُسْ.

درس یازدهم

اسم فاعل

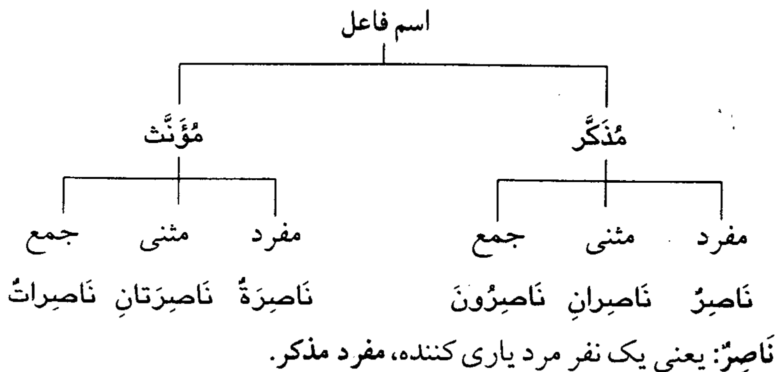
بطوریکه در درس سوم گفته‌شد مصدر ریشه کلمات است، و از آن افعال و اسمهایی گرفته می‌شود که اسم فاعل یکی از آنها می‌باشد.

اسم فاعل: اسمی است که بر کننده کار دلالت می‌کند. مانند: کاتِبٌ(نویسنده)، عالِمٌ (دانشمند)

اسم فاعل از (فَعَلَ) بر وزن (فاعِلٌ) آید، یعنی الفی بعد از فاءالفعل آورده و عین‌الفعل مکسور و لام‌الفعل را تنوین می‌دهند و آن از علامتهای اسم می‌باشد.

مانند: کَتَبَ ـ کَاتِبٌ (نویسنده) نَصَرَ ـ ناصِرٌ (یاری کننده)

برای اسم فاعل شش صیغه می‌باشد، سه صیغه برای مذکر و سه صیغه برای مؤنث.



نَاصِرٌ: یعنی یک نفر مرد یاری کننده، **مفرد مذکر.**

نَاصِرٌ بر وزن فاعِلٌ (نون) فاءالکلمة، الف علامت اسم فاعل، (صاد) عین الکلمة و (راء) لام‌الکلمة و تنوین علامت اسم می‌باشد.

نَاصِرانِ: یعنی دو نفر مرد یاری کننده، **تثنیه مذکر.**

نَاصِرانِ بر وزن فاعلانِ (نون) فاءالکلمة، الف علامت اسم فاعل، (صاد) عین‌الکلمة و (راء) لام‌الکلمة، (الف) علامت تثنیه، (نون مکسوره) عوض تنوین می‌باشد.

نَاصِرُونَ: یعنی سه نفر مرد یا بیشتر یاری کننده، **جمع مذکر.**

نَاصِرُونَ بر وزن **فَاعِلُونَ** (نون) فاءالکلمة، الف علامت اسم فاعل، (صاد) عین‌الکلمة و (راء) لام‌الکلمة، (واو) علامت جمع مذکر (نون مفتوحه) عوض تنوین می‌باشد.

نَاصِرَةٌ: یعنی یک نفر زن یاری کننده، **مفرد مؤنث.**

نَاصِرَةٌ بر وزن فَاعِلَةٌ (نون) فاءالکلمة، الف علامت اسم فاعل، (صاد) عین‌الکلمة و (راء) لام‌الکلمة، (تاء) علامت تأنیث، (تنوین) علامت اسم می‌باشد.

نَاصِرَتانِ: یعنی دو نفر زن یاری کننده، **تثنیه مؤنث.**

نَاصِرَتانِ بر وزن **فَاعِلَتانِ** (نون) فاءالکلمة، الف علامت اسم فاعل، (صاد) عین‌الکلمة و (راء) لام‌الکلمة، (تاء) علامت تأنیث، (الف) علامت تثنیه، و (نون مکسوره) عوض تنوین است.

نَاصِراتٌ: یعنی سه نفر زن یا بیشتر یاری کننده، **جمع مؤنث.**

نَاصِراتٌ بر وزن فَاعِلاتٌ (نون) فاءالکلمة، الف علامت اسم فاعل، (صاد) عین‌الکلمة و (راء) لام‌الکلمة، (الف و تاء) علامت جمع مؤنث، و (تنوین) علامت اسم است.

توجه: صیغه‌های اسم فاعل برای اشخاص (غائب و مخاطب و متکلم) یکسان به کار برده می‌شود پس می‌گوییم:

شَخص	مفرد	مثنی	جمع
غائب غائبه	هُوَ كاتِبٌ هِيَ كاتِبَةٌ	هُما كاتِبَانِ هُما كاتِبَتَانِ	هُمْ كاتِبُونَ هُنَّ كاتِباتٌ
مُخاطَب مُخاطَبه	أَنْتَ كاتِبٌ أَنْتِ كاتِبَةٌ	أَنْتُما كاتِبَانِ أَنْتُما كاتِبَتانِ	أَنْتُمْ كاتِبُونَ أَنْتُنَّ كاتِبَاتٌ
مُتكلِّم مُتكلِّمه	أَنا كاتِبٌ أَنا كاتِبَةٌ	نَحْنُ كاتِبانِ نَحْنُ كاتِبتانِ	نَحْنُ كاتِبونَ نَحْنُ كاتِباتٌ

به این پرسشها پاسخ دهید:

- اسم فاعل دارای چند صیغه است؟ آنها را با ذکر مثال نام ببرید.
- طرز بنای اسم فاعل را شرح دهید.
- تنوین یا نون مکسوره و نون مفتوحه در صیغه‌های اسم فاعل، چه علامتهایی می‌باشند؟

تمرین (۱)

اسم فاعل فعلهای زیر را بگویید:

كَتَبَ (نوشت)، **سَمِعَ** (شنید)، **طَبَخَ** (پخت)، **دَرَسَ** (خواند)، **قَعَدَ** (نشست)، **ذَكَرَ** (یاد کرد)، **قَتَلَ** (کشت)، **قَهَرَ** (از پای درآورد)، **جَمَعَ** (جمع کرد).

تمرین (۲)

هموزن این کلمات را بگویید:

قَاعِدُونَ، طَابِخاتٌ، دَارِسَانِ، كَاظِمَةٌ، عَارِفَتَانِ، قَادِرُونَ، عابِدانِ، كاتِبَتَانِ.

درس دوازدهم

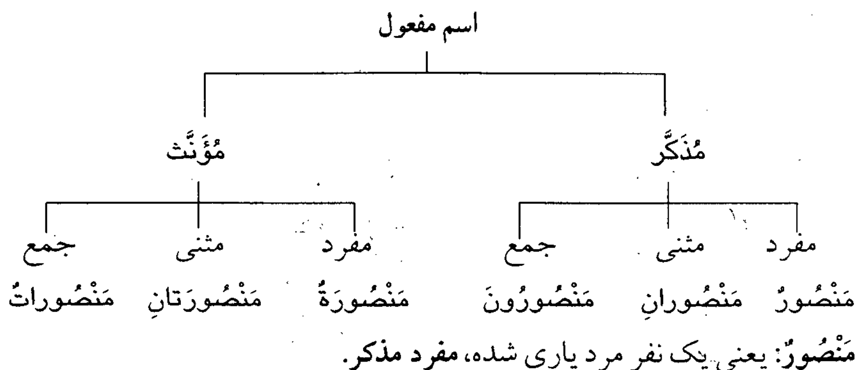
اسم مفعول

اسم مفعول: اسمی است که بر کسی یا چیزی که فعل بر آن واقع شده دلالت می‌کند، و از فعل بر وزن (**مَفْعُول**) آید. یعنی (میم مفتوحه) در اول آن و حرف (واو) به ماقبل لام‌الفعل در می‌آورند مانند:

نَصَرَ ـ مَنْصُورٌ (یاری شده) عَلِمَ ـ مَعْلُومٌ (دانسته شده)

كَتَبَ ـ مَكْتُوبٌ (نوشته شده) حَسِبَ ـ مَحْسُوبٌ (شمرده شده)

همانطوریکه برای اسم فاعل شش صیغه بود، اسم مفعول نیز شش صیغه دارد، سه برای مذکر، سه برای مؤنث.



مَنْصُورٌ: یعنی یک نفر مرد یاری شده، **مفرد مذکر.**

مَنْصُورٌ بر وزن **مَفْعُولٌ**، (میم مفتوحه) علامت اسم مفعول، (نون) فاءالکلمه، (صاد) عین‌الکلمه، (واو) علامت اسم مفعول، (راء) لام‌الکلمه و تنوین علامت

اسم است.

مَنْصُورانِ: یعنی دو نفر مرد یاری شده، **مثنای مذکر.**

مَنْصُورانِ بر وزن مَفْعُولانِ، (میم مفتوحه) علامت اسم مفعول، (نون) فاءالکلمه، (صاد) عین‌الکلمه، (واو) علامت اسم مفعول، (راء) لام‌الکلمه و (الف) علامت تثنیه، (نون مکسوره) عوض تنوین می‌باشد.

مَنْصُورُونَ: یعنی سه نفر مرد یا بیشتر یاری شده، **جمع مذکر.**

مَنْصُورُونَ بر وزن **مَفْعُولُونَ**، (میم مفتوحه) علامت اسم مفعول، (نون) فاءالکلمه، (صاد) عین‌الکلمه، (واو) علامت اسم مفعول، (راء) لام‌الکلمه و (واو) علامت جمع مذکر، (نون مفتوحه) عوض تنوین می‌باشد.

مَنْصُورةٌ: یعنی یک نفر زن یاری شده، **مفرد مؤنث.**

مَنْصُورةٌ بر وزن **مَفْعُولَةٌ**، (میم مفتوحه) علامت اسم مفعول، (نون) فاءالکلمه، (صاد) عین‌الکلمه، (واو) علامت اسم مفعول، (راء) لام‌الکلمه و (تاء) علامت تأنیث و تنوین علامت اسم می‌باشد.

مَنْصُورَتانِ: یعنی دو نفر زن یاری شده، **تثنیه مؤنث.**

مَنْصُورَتانِ بر وزن **مَفْعُولَتانِ**، (میم مفتوحه) علامت اسم مفعول، (نون) فاءالکلمه، (صاد) عین‌الکلمه، (واو) علامت اسم مفعول، (راء) لام‌الکلمه و (تاء) علامت تأنیث، (الف) علامت تثنیه، (نون) عوض تنوین است.

مَنْصُوراتٌ: یعنی سه نفر زن یا بیشتر یاری شده، **جمع مؤنث.**

مَنْصُوراتٌ بر وزن **مَفْعُولاتٌ**، (میم مفتوحه) علامت اسم مفعول، (نون) فاءالکلمه، (صاد) عین‌الکلمه، (واو) علامت اسم مفعول، (راء) لام‌الکلمه و (الف و تاء) علامت جمع مؤنث و تنوین علامت اسم می‌باشد.

توجه: اسم مفعول نیز مانند اسم فاعل برای اشخاص مختلف یکسان صرف می‌شود.

به این پرسشها پاسخ دهید:

۱ ـ اسم مفعول دارای چند صیغه است؟ آنها را با ذکر مثال نام ببرید.

۲ ـ طرز بنای اسم مفعول را شرح دهید.

۳ ـ (الف)، (واو)، (تاء گرد)، (الف و تاء) در آخر صیغه‌های اسم مفعول، چه علامتهایی بودند؟

تمرین (۱)

از فعلهای: ظَلَمَ (ستم کرد)، سَمِعَ (شنید)، صیغه‌های اسم مفعول زیر را بنویسید:

۱ ـ مفرد مذکر　　۲ ـ مثنای مذکر　　۳ ـ جمع مذکر

۴ ـ مفرد مؤنث　　۵ ـ مثنای مؤنث　　۶ ـ جمع مؤنث

تمرین (۲)

اسم مفعول فعلهای زیر را بگویید:

جَمَعَ، سَمِعَ، جَذَبَ، اَخَذَ، عَمِلَ، کَظَمَ، حَسِبَ، قَرَأَ.

تمرین (۳)

هموزن این کلمات را بگویید:

مَنْصُورُونَ، مَطْبُوخاتٌ، مَعْرُوفانِ، مَکْتُوبَتانِ، مَظْلُومَةٌ.